

تحلیل عوامل فردی مؤثر بر تنبلی دانشگاهی در میان دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران)

دکتر علی اصغر فیروزجاییان^۱ و پرویز شریفی مقدم^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۳

چکیده:

در بحث از آسیب‌شناسی سازمانی توجه به منابع انسانی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. تنبلی به عنوان یکی از آسیب‌های منابع انسانی در هر سازمانی از جمله نهاد دانشگاه مطرح می‌باشد؛ تنبلی اجتماعی می‌تواند آسیب‌های متعدد و پیامدهای منفی را برای فرد و اجتماع در کوتاه‌مدت و درازمدت به وجود بیاورد. تنبلی به معنای تن‌پروری، بی‌کارگی، کاهلی و اهمال و سستی به کار رفته است. هدف این تحقیق تحلیل عوامل فردی مؤثر بر تنبلی دانشجویان می‌باشد. روش تحقیق از نوع پیمایشی و ابزار سنجش آن پرسشنامه محقق‌ساخته است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه مازندران در سطوح مختلف تحصیلی (۱۳۹۳-۱۳۹۴) و حجم نمونه ۳۹۰ نفر می‌باشد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. با توجه به ماهیت تحقیق، داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. در این تحقیق نظریه انتخاب عقلانی کلمن به عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین عوامل فردی شامل متغیرهای خودمداری، بیگانگی تحصیلی، فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل با تنبلی دانشجویان رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. نتیجه آزمون مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای فوق توانستند ۴۳ درصد از تغییرات تنبلی دانشگاهی (فردی و گروهی) را تبیین کنند.

مفاهیم کلیدی: آسیب‌شناسی سازمانی، تنبلی اجتماعی، تنبلی دانشگاهی، نظریه انتخاب عقلانی

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول)

a.firozjayan@umz.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد مطالعات جوانان، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران shrifiparviz2012@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

با آغاز قرن بیست و یکم سازمان‌ها تغییرات اساسی و شدیدی را پیرامون خود تجربه کرده‌اند. این تغییرات سازمان‌ها را به سمت چالش‌های نوینی هدایت می‌کند که عدم توجه به آنها بقا و موفقیت سازمان‌ها را به‌طور فزاینده‌ای تهدید می‌کند (Sepahvand & Yari, 2015:2). در دنیای امروز نمونه‌های متعددی از سازمان‌ها و جوامع بزرگ وجود دارد که علیرغم موفقیت‌های بسیار به دام تنبلی و غرور افتاده و سقوط‌های باورنکردنی داشته‌اند و از دیگر سو سازمان‌ها و جوامعی که متحول شده و به کارهای بزرگی در عرصه‌ی جهانی دست زدند و خوش درخشیدند (Ataabadi, 2014). کشورهای توسعه‌یافته برای رسیدن به مرحله‌ی توسعه‌یافتگی، برنامه‌های تحقیقاتی و اقتصادی زیادی را طراحی و اجرا کرده‌اند اما کلید اجرای این برنامه‌ها نهادینه کردن فرهنگ کار و کوشش است. به‌عنوان مثال ساعات مفید کار در ایران، روزانه تا ۲ ساعت است که میزان هفتگی آن به بیشتر از ۱۱ ساعت نمی‌رسد. حال آنکه میزان کار مفید هفتگی در ژاپن به ۴۰ تا ۶۰ ساعت و در کره جنوبی به ۵۴ تا ۷۲ ساعت می‌رسد. بنابراین ناگفته پیداست که نخستین درس توسعه‌یافتگی، کار و تلاش و پرهیز از روحیه‌ی تنبلی است (Fatemi, 2014). تنبلی به معنای تن‌پروری، بیکارگی، کاهلی، اهمال و سستی به کار رفته است (Moshiri, 1999:1471). تنبلی یا سستی (فتور) از نظر لغوی به دو معنی استفاده می‌شود: دست کشیدن پس از استمرار در کاری، یا سکون بعد از حرکت و جنبش، و کسالت، بی‌حالی، یا سستی و تنبلی پس از شادابی و کوشش. مفاهیم عربی مترادف تنبلی نیز عبارتند از: کسل، ضجر، تهاون، مامله، تسویف، ابطاء (Aghatehrani: 2004).

اصطلاح تنبلی اجتماعی^۱ توسط (Latane, B., Williams, K. & Harkins, S, 1979) برگزیده شد. آنها تنبلی اجتماعی را در مقابل «تلاشگری اجتماعی»^۲ قرار دادند و معتقد بودند که انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف از نظر میزان ابتلا به تنبلی اجتماعی با یکدیگر تفاوت دارند. فرهنگ‌های فردگرا فرهنگ‌هایی هستند که آدم‌های تنبل‌تری را پرورش می‌دهند و فرهنگ‌های جمع‌گرا فرهنگ‌هایی هستند که آدم‌های تلاشگری را پرورش می‌دهند (Arjmandnia, 2009; Charbonnier, 1998).

^۱ social loafing

^۲ hard working community

در کلی‌ترین برداشت، تنبلی را مترادف با فقر حرکتی^۱ می‌دانند. فردی تنبل است که هیچ رغبت و اشتیاقی به تحرک و جنب و جوش نداشته و از پویایی و جست و خیز در گریز است. در جامعه‌ای که تنبلی رخنه می‌کند، افراد آن برای انجام امور کوچک و بزرگ در زندگی شخصی و مناسبات اجتماعی و عمومی همیشه کار امروز را به فردا می‌اندازند، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را به دیگران واگذار می‌کنند، تغییر و تحولی را که آرزو می‌کنند بدون کوچک‌ترین اقدامی از دیگران انتظار می‌کشند؛ و برای هر انتخابی تعلل می‌ورزند (Javadi Yeganeh & et. al, 2010: 112). تنبلی اجتماعی به تمایل افراد برای اعمال تلاش کمتر هنگامی که در یک گروه فعالیت می‌کنند نسبت به زمانی که به صورت انفرادی کار می‌کنند اشاره دارد (Bennett & et. al, 2004). در کل می‌توان تنبلی را به دو دسته تنبلی فردی^۲ و تنبلی اجتماعی تقسیم کرد. تنبلی فردی حالتی که فرد میان دو انتخاب مخیر می‌شود، یکی لذت آنی و دیگری نفع شخصی در آینده که برای کسب آن نفع، باید از این لذت گذشت و فرد در این میان با در نظر گرفتن عنصر آگاهی لذت آنی را انتخاب می‌کند. تنبلی اجتماعی نیز تنبلی‌ای است که گاه محصول تنبلی افراد جامعه و برآیند تنبلی آنها است. یعنی وقتی کثیری از افراد، بی‌عمل و لذت‌طلب هستند در سطح جامعه نیز این فرایند مشاهده می‌شود. پایین بودن بهره‌وری اداری، عدم اقبال به کار طولانی مدت و سخت و ... از این نمونه است.

با توجه به اطلاعات موجود، جامعه‌ی ایرانی با تنبلی اجتماعی مواجه است (Javadi Yeganeh, 2010; Javadi Yeganeh & et. al, 2010; Arjmandnia, 2009). این موضوع در بخش‌های مختلف جامعه‌ی ما قابل مشاهده می‌باشد. مشخص‌ترین شاخص تنبلی را می‌توان در سازمان‌های اداری و در میزان کار مفید در کشورمان مشاهده کرد. یکی از سازمان‌های مهم که با آسیب تنبلی روبرو است دانشگاه می‌باشد. امروزه بخش‌های مختلف دانشگاه از جمله دانشجویان با نوعی رکود و در نهایت تنبلی آموزشی روبرو است. بی‌تفاوتی اجتماعی، ناامیدی نسبت به آینده، کم تحرکی، پرداختن به سرگرمی‌های غیر ضرور و بی‌محتوا، عدم توجه به درس و آموزش و عدم تعهد در فعالیت‌های گروهی، موکول کردن درس خواندن به شب امتحان، اهمال کاری‌های زندگی روزمره و بی‌تفاوتی نسبت به وظایف محوله از مصادیق تنبلی در میان دانشجویان می‌باشد.

¹ poverty movement

² laziness

تنبلی با توجه به پیامدهایی که برای فرد و جامعه در پی دارد می‌تواند بعنوان یکی از مسائل اجتماعی در نظر گرفته شود. از پیامدهای تنبلی اجتماعی می‌توان به فرهنگ مصرفی، استفاده نامناسب از نیروی انسانی، پایین بودن بهره‌وری اداری، عدم اقبال به کار طولانی مدت و سخت، تمایل به جذب شدن در دستگاه‌های دولتی، عدم ارائه ایده‌های جدید و خلاقیت در کار و زندگی، انتظار دریافت مزایا و پاداش‌های دولتی و ... (*Javadi Yeganeh & Fooladian: 2010*). البته پیامدهای تنبلی در رابطه با جوانان بخصوص دانشجویان شکل دیگری به خود می‌گیرد. جوانان به‌عنوان نیروی انسانی و سرمایه‌ی آتی هر جامعه‌ای به حساب می‌آیند، که با توجه به فرصت‌های موجود آینده‌ی یک جامعه را رقم می‌زنند. نظر به اینکه امروزه دانشگاه‌ها به‌عنوان متولیان این امر بستر و شرایط لازم را برای پرورش جوانانی که می‌خواهند آینده‌ی یک جامعه را رقم بزنند فراهم می‌کنند. در واقع دانشگاه‌ها نقش و عملکردی همانند یک پل در میان دانشجویان و جامعه دارند. محیط دانشگاه و دانشجو دو عنصر تأثیرگذار بر فرهنگ هر جامعه‌اند. افزون بر اینکه سهم مهمی در سازندگی و هدایت جامعه بر عهده دارند. نظر به اینکه تأثیر مثبت دانشگاه و دانشجو بر جامعه در گرو فعلیت یافتن هویت واقعی و مطلوب آنها است. اگر هویت مطلوب پیدا نگردد یا دچار آسیب شد، دانشجو و دانشگاه نه تنها به رسالت خود عمل نخواهد کرد بلکه ممکن است موجب تباهی و پس رفت یک جامعه گردد (*Soleimanpour, 2005*: 48).

تنبلی می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گیرد؛ که این البته با توجه به موقعیتی که تنبلی در آن اتفاق می‌افتد متفاوت می‌باشد. از جمله این عوامل می‌توان به عدم انگیزندگی محیط کار و مشکلات شخصی (*Moghaddam & et. al, 2004*) قائل نبودن اولویت برای انجام کار، فشار خانواده و مشکلات خانوادگی (*Kazemi & et al., 2010*), تقدیرگرایی و خودمداری (*Javadi Yeganeh & Fooladian, 2012*), یادگیری سازمانی، تعهد سازمانی (*Hooshmand, 2014*), کاهش در شفافیت کاری و عدالت توزیعی (*Leiden, 2004*), جهت‌گیری فرهنگی (*Monsoon, 2008*), سواری مجانی (*Hall and Beauvoir, 2012*), اندازه‌ی گروه و ارزیابی همسالان (*Rich & et. al. 2014*) اشاره کرد. در رابطه با تنبلی دانشگاهی دانشجویان، تنبلی می‌تواند تحت تأثیر عواملی از سطوح مختلف قرار گیرد. در سطح کلان تنبلی آموزشی تحت تأثیر عواملی چون گسترش فرهنگ تنبلی در جامعه، و در سطح میانه مشکل اشتغال، مسائل مدیریتی و آموزشی دانشگاه و در نهایت در سطح خرد به ویژگی‌های خود دانشجویان اشاره کرد. این

تحقیق تلاش دارد تا بعنوان پاسخ به بخشی از سؤال چرایی تنبلی به سطح خرد - فردی تأکید کند؛ بنابراین با توجه به مطالب بالا به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که میزان تنبلی اجتماعی در میان دانشجویان چقدر می‌باشد؟ عوامل فردی - خرد، چه تأثیری در تنبلی اجتماعی دانشجویان دارد؟

پیشینه پژوهش

تنبلی اجتماعی اولین بار توسط یک مهندس کشاورزی به نام *Miss Ringelman* به کار گرفته شد. نتایج تحقیق او نشان داد که افراد هنگام قرار گرفتن در یک گروه تلاش کمتری در کشیدن طناب از خود نشان می‌دهند (*Ringelman, 1913, Carwitz & Martin, 1986*). بعد از *Ringelman, K. D., Latan, Williams, S. G., Harkins, S. G.* سال ۱۹۷۹، این اصطلاح را به کار گرفتند. آن‌ها نیز این واژه را در توصیف پدیده‌ی کاهش تلاش افراد در کار، زمانی که در قالب یک گروه همکاری می‌کنند، به کار بردند. پس از این افراد، محققان زیادی به تحقیق در این حوزه پرداختند. بررسی تحقیقات انجام شده در بخش منابع خارجی در دوره‌های زمانی (۲۰۱۴-۱۹۸۰) و در بخش داخلی منابع سال‌های (۱۳۹۳-۱۳۸۳) نشان داده که مطالعات انجام شده در این حوزه (تنبلی اجتماعی) اندک است. در این تحقیقات تنبلی اجتماعی را با توجه به متغیرهای روانشناسی اجتماعی و مدیریت، ارتباطات، کشاورزی و رفتار سازمانی مورد بررسی قرار داده‌اند، در این پژوهش‌ها به معیارهای یادگیری، اعتماد، تعهد و تعلل در بین کارکنان سازمانی و گروه‌ها پرداخته‌اند. نقاط قوت تحقیقات خارجی این است که بحث تنبلی به حوزه‌های جدیدی مثل (ارتباطات، کشاورزی، صنعت نظامی و ...) کشیده شده است، اما در تحقیقات داخلی این‌گونه نبوده است. از نقاط ضعف این تحقیقات این است که شاخص ثابتی برای تنبلی اجتماعی وجود ندارد، این تحقیقات از نظریه‌ی بازی عددی، مبادله، یادگیری اجتماعی استفاده کرده‌اند. نکته‌ای که این پژوهش را از همه این تحقیقات متمایز می‌کند این است که تاکنون پژوهش جامعه‌شناختی مستقیمی درباره‌ی عوامل مؤثر بر تنبلی اجتماعی خصوصاً در بین جوانان و دانشجویان انجام نشده است؛ لذا کار تحقیقی حاضر با بهره گرفتن از اصول کاملاً روش‌شناختی توانسته است طرحی نو در زمینه‌ی مطالعات مربوط به تنبلی اجتماعی باز کند و با استفاده از مبانی نظری مشخص و با استفاده از روش کمی، به مسئله‌ی تنبلی اجتماعی در میان جوانان یا دانشجویان در سطوح مختلف تحصیلی

می‌پردازد. در ادامه به نمونه‌هایی از کارهای داخلی و خارجی به صورت خلاصه اشاره شده است.

الف) تحقیقات داخلی

مقدم و همکاران (۱۳۸۳)، در پژوهشی با عنوان «دلایل کارکنان برای طفره رفتن از کار و راه حل‌های پیشگیری و مقابله با آن» انجام داده‌اند. این پژوهش به صورت توصیفی بررسی شده است و در آن اشاره‌ای به روش و جامعه‌ی آماری نشده است. در این تحقیق آمده که، افراد نه فقط به دلیل تأمین نیازهای اولیه مادی کار می‌کنند، بلکه کار برای آنها با مسائل روانی و اجتماعی پیوند خورده است. در واقع، عواملی باعث می‌شود کارکنان، کاری که از آنان انتظار می‌رود انجام ندهند. این عوامل عبارتند از: عدم انگیزندگی محیط کار، روش‌های کاری مدیران، عدم پاداش برای انجام کارهای خوب کارکنان، اعمال پاداش و تنبیه به صورت غلط، مشکلات شخصی، اولویت‌بندی کارها، ندانستن چگونگی انجام کار، روشن نبودن انتظارات مدیران از کارکنان، عدم آگاهی از اهمیت و ضرورت کار، حقوق و دستمزد و فرسودگی شغلی. در این مقاله سعی شده است عوامل مذکور به صورت مختصر تبیین و راه حل‌های مناسب برای هر یک ارائه شود (Moghaddam & et, al, 2004).

ارجمندنیا (۱۳۸۸)، تحقیقی تحت عنوان «تأملی بر پدیده‌ی تنبلی اجتماعی» با دیدگاه روانشناسانه به انجام رسانده است. تنبلی اجتماعی که در بسیاری از منابع به‌عنوان یکی از صفات اخلاقی ایرانیان یاد شده است. اخیراً به شکلی جدی وارد مباحث فرهنگی، روانشناسی و جامعه‌شناسی شده است. این معضل اجتماعی می‌تواند آسیب‌های متعدد و پیامدهای منفی را برای فرد و اجتماع در کوتاه‌مدت و درازمدت به وجود بیاورد. در این تحقیق ابتدا به موضوع تنبلی اجتماعی از منظر روانشناسی اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و در ادامه چگونگی کنترل این پدیده‌ی اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است (Arjmandnia, 2009).

کاظمی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی به «بررسی میزان شیوع تعلل و عوامل مؤثر بر آن» پرداختند. نمونه‌ای تصادفی از مدیران و کارکنان یکی از بزرگ‌ترین دانشگاه‌های کشور، به حجم ۱۳۳ نفر انتخاب و اطلاعات جمع‌آوری شده (توسط دو پرسشنامه‌ی تعلل تاکنم و پرسشنامه عوامل مؤثر تعلل) با استفاده از آزمون تی، تحلیل واریانس و فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. نتایج گویای شیوع ۱۷/۶ درصدی تعلل در میان مدیران و کارکنان است. در حالی که رابطه‌ی معناداری بین افراد با تحصیلات، سابقه‌ی خدمت، سن

و سمت متفاوت به دست نیامد، نتایج نشان داد که بین زنان و مردان از نظر شیوع تعلل، تفاوت معنادار وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد از نظر مدیران و کارکنان، عوامل فردی بیش‌ترین تأثیر را در بروز تعلل دارند. پس از عوامل فردی، عوامل سازمانی و محیطی در رتبه‌ی دوم و سوم قرار دارند. در بین عوامل فردی، عامل قائل نبودن اولویت برای انجام کار، در بین عوامل سازمانی، نداشتن سیستم ارزیابی عملکرد درست در سازمان و در بین عوامل محیطی، فشار خانواده و مشکلات خانوادگی، بیش‌ترین تأثیر را بر ایجاد و بروز تعلل داشته‌اند (Kazemi & et. al, 2010).

جوادی یگانه و فولادیان (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «تنبلی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» به مطالعه‌ی تنبلی اجتماعی در چارچوب نظریه‌ی انتخاب عقلانی پرداخته‌اند. روش تحقیق حاضر پیمایش و جامعه‌ی آماری آن ۱۲۵۶ شهروند تهرانی می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حداقل میزان گرایش به تنبلی در میان شهروندان تهرانی ۲۰ درصد می‌باشد. تفسیر این یافته، روند گرایش به تنبلی در تهران را رو به افزایش نمی‌داند. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تنبلی در تحلیل‌های چند متغیره عبارت است از تقدیرگرایی، احساس بی‌قدرتی و خودمداری. نتیجه‌ی نهایی یافته‌ها نشان می‌دهد که پایین بودن میزان تمایل به تنبلی در تهران، نشانه‌ی پایین بودن میزان تنبلی نیست، چون وضعیت اجتماعی، تسهیل‌کننده‌ی تنبلی در جامعه است (Javadi Yeganeh & Fooladian, 2012).

فضایی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «جایگاه ایران اسلامی از نظر تنبلی اجتماعی» به بررسی میزان تنبلی اجتماعی در مطالعات گذشته و ویژگی‌های منفی که به جامعه‌ی ایران اسلامی نسبت داده می‌شود پرداخته است. در این راستا، گاهی با بهره‌برداری از سفرنامه‌ها تنبلی اجتماعی نهادینه را به ملت و جامعه‌ی ایرانی نسبت داده‌اند و گاهی نیز متکی بر گزارش‌های به ظاهر تحقیق جهانی، ایران اسلامی را دارای رکورد تنبلی اجتماعی بسیار بالا و در مقام سوم جهان معرفی نموده‌اند و تحقیقات اندک داخلی آن را تأیید کرده‌اند. هدف اصلی در این تحقیق تجزیه و تحلیل موشکافانه محتوای گزارش‌ها، ضعف علمی برداشت از سفرنامه‌های گذشته و اشکالات موجود در تحقیقات جهانی و نیز عدم کفایت تحقیقات داخلی در این مورد می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با توجه به نقش تعیین‌کننده‌ی موضوع تنبلی اجتماعی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان مملکتی، تبیین عادلانه‌ی آن نیازمند انجام تحقیقات موثق و قابل اعتماد، مبتنی بر یک مدل بومی و متفاوت است که جای آن در حال حاضر خالی

است و بدون آن نفی و اثبات تنبلی اجتماعی برای ملت ایران از وجاهت علمی برخوردار نخواهد بود (Fazli, 2013).

هوشمند (۱۳۹۳)، تحقیقی پیرامون «تعیین رابطه‌ی بین یادگیری سازمانی، تعهد سازمانی و تنبلی اجتماعی در بین کارکنان بانک اقتصاد نوین مشهد» انجام داده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل ۱۲۳ نفر از کارکنان شاغل در ۹ شعبه بانک اقتصاد نوین شهر مشهد می‌باشد. این بررسی به روش توصیفی از نوع همبستگی صورت گرفته و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد بهره گرفته شده است. بعد از سرشماری از کارکنان و توزیع پرسشنامه‌ها میان آنان تعداد ۱۱۶ پرسشنامه مناسب تشخیص داده شد و بقیه‌ی پرسشنامه‌ها از تحلیل کنار گذاشته شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری سازمانی و تعهد سازمانی رابطه‌ی معناداری با تنبلی اجتماعی کارکنان دارند. علاوه بر این یادگیری سازمانی، رابطه‌ی معناداری با تعهد سازمانی کارکنان بانک اقتصاد نوین مشهد دارد (Smart, 2014).

ب) تحقیقات خارجی

Huguet & et. al, 1999 در مقاله‌ی خود با عنوان «کاهش بهره‌وری به خاطر عملکرد گروهی» عوامل مؤثر بر تنبلی اجتماعی در کاهش بهره‌وری را مورد بررسی قرار دادند، که این عوامل عبارت‌اند از اندازه‌ی گروه کاری (با افزایش تعداد اعضا، گمنامی اعضا نیز افزایش می‌یابد و این مانع از برآورد میزان سهم فرد در کار گروهی می‌شود). میزان پیوستگی گروهی (پیوستگی گروهی میزان و حدودی است که در آن اعضا با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و چنانچه چنین احساسی در آنها وجود نداشته باشد بیشتر دچار تنبلی اجتماعی می‌شوند). تصور تنبل بودن همکاران (به این معنا که اعضای گروه احساس می‌کنند که یکی از چند نفر از همکاران دچار تنبلی اجتماعی هستند). در کنار این عوامل، چنانچه اعضای گروه باور داشته باشند که سرگروه از تلاش‌هایش آگاهی داشته باشد بهتر وظایف خود را انجام می‌دهند. عدالت توزیعی نیز مهم است به این معنا که زمانی که آنها احساس کنند سهم برابری از پاداش‌ها و منابع نخواهند داشت در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند. در کنار عدالت توزیعی باید به عدالت رویه‌ای نیز توجه داشت یعنی تصورات فرد از عادلانه بودن شیوه‌ها و رویه‌های مؤثر بر انتظارات مرتبط با عملکرد و پیامد و نیز سطح تلاش لازم برای انجام وظایف تأثیر دارد.

Leiden & et al., 2004 در تحقیقی با عنوان «تنبلی اجتماعی: تحقیقات میدانی» به انجام رسانده‌اند. آنها تنبلی اجتماعی را با آزمون یک مدل چند سطحی در بین ۲۳ گروه کاری متشکل از ۱۶۸ کارمند حاضر در دو سازمان بررسی کرده‌اند. نتایج آنان نشان داد که همان‌طور که در سطح فردی فرض شده بود افزایش در وابستگی وظایف و کاهش در شفافیت کاری و عدالت توزیعی با افزایش وقوع تنبلی اجتماعی ارتباط دارد؛ و در سطح گروهی بزرگ شدن گروه و کاهش پیوستگی و انسجام گروه با افزایش سطح تنبلی اجتماعی ارتباط دارد. نتایج یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تصورات اعضای گروه از تنبلی همکارشان با تنبلی اجتماعی کاهش یافته ارتباط دارد.

Hua-Lin, 2008 پژوهشی در زمینه «تنبلی اجتماعی و جهت‌گیری فرهنگی دانشجویان در کلاس درس» انجام داد. او در بررسی خود دریافت که فعالیت‌های گروهی مانند بحث گروهی و کار گروهی در دروس کلاسی دانشگاهی بیشترین کاربرد را دارند. با این حال گروه‌هایی که بیش از یک نفر هستند گاهی اوقات نمی‌توانند عملکردی در سطح فردی داشته باشند. طبق مطالعات انجام شده و تجربیات گروه‌های کاری، تنبلی اجتماعی که مبتنی بر قاعده‌ی سواری مجانی است، مهم‌ترین علت بوده است. اینکه چگونه تنبلی اجتماعی تلاش‌های گروهی را تخریب می‌کند خود مسأله‌ای است که باید تبیین شود. با توجه به این واقعیت که بیشتر دانشجویان فعالیت‌های دانشگاهی را مقسیم کار و همکاری متقابل می‌دانند این محقق به بررسی جهت‌گیری فرهنگی به‌عنوان عامل تعیین‌کننده‌ی رفتار انسانی مورد بررسی قرار داده است، که چه کسی ممکن است بیشتر دچار تنبلی شود. نتیجه یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که جهت‌گیری فرهنگی مهم‌ترین تبیین‌کننده‌ی برای تنبلی اجتماعی است و دانشجویانی که گرایش به کار گروهی داشتند کمتر دچار تنبلی شده‌اند.

Hall & Buzwell, 2012 تحقیقی با عنوان «مشکل سواری رایگان در پروژه‌ی گروهی: عدم مشارکت به‌عنوان دلیلی برای تنبلی اجتماعی» انجام دادند. این بررسی از روش پیمایش استفاده نموده است، و تنبلی اجتماعی را در میان ۲۰۵ نفر از دانشجویان دانشکده‌های دانشگاه استرالیا را مورد بررسی و نگرش‌شان را نسبت به کار گروهی سنجیده‌اند. آنها دریافتند که افزایش کار گروهی در آموزش عالی با افزایش در فراوانی گزارشات تحصیلی دانشجویان به اندازه‌ی کار درون‌گروهی اهمیت ندارد. اثر این رفتار با در نظر گرفتن سواری مجانی روی دانشجویان دیگر که کار گروهی دارند موجب می‌شود که آنها تجربه‌ی نامطلوبی از آن داشته باشند. ناامیدکننده‌تر از همه، گرفتن نمره‌ی یکسان

توسط کسانی است که کار چندانی انجام نداده بودند. شناخت رفتار سواری مجانی در یک کار تحقیقی مشترک می‌تواند به کاهش تأثیر آن روی اعضای دیگر گروه کمک کند. آنچه می‌تواند مد نظر قرار گیرد این است که رفتار سواری مجانی الزاماً تلاش عمدی برای انجام حداقل کار است. دلایل متعددی وجود دارد که ممکن است موجب شود دانشجویان به یک اندازه در کار گروهی مشارکت نکنند حتی اگر آنها خودشان هم بخواهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین دلیل عدم پذیرش و انجام کار گروهی، سواری مجانی بوده است.

Rich & et. al, 2014 در مقاله‌ای با عنوان «تعریف راهبردهایی برای کاهش تنبلی اجتماعی در طرح‌های گروهی» به بررسی بازنگری تحقیقات در حوزه‌ی تنبلی اجتماعی و ارائه‌ی پیشنهادهایی برای کاهش تنبلی اجتماعی پرداخته‌اند. در این تحقیق به شناسایی افرادی که از نظر دشوار بودن وظایف، سنجش عملکرد، تأکید بر مشارکت افراد توانمند، محدودیت اندازه‌ی گروه، ترویج پیوستگی و همراهی همهی اعضای گروه و استفاده از ارزیابی همسالانی که به کمک احتیاج دارند پرداخته شده است. آنها چندین پیشنهاد برای از بین بردن یا کاهش تنبلی اجتماعی در مقاطع آموزشی ارائه کردند از جمله اینکه افراد گرایش طبیعی به این نگرش دارند که وظیفه‌ی خاصی که آنها دارند انجام می‌دهند معنی‌دار است. میزان مشکل بودن کار یا وظیفه‌ای که بر عهده‌ی فرد گذاشته می‌شود، ایجاد مقیاس‌های عملکرد برای فرد می‌تواند انگیزه‌ای برای انجام دادن کارهای خوب باشد. تأکید بر ارزشمند بودن دستاوردها و سهم اشخاص در کار گروهی نیز اهمیت دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تنبلی اجتماعی با محدود کردن اندازه گروه می‌تواند کاهش یابد، و همچنین گروه‌ها باید با هم یکپارچه و منسجم باشند. در نهایت باید ارزیابی‌های همسالان را هم اضافه نمود. این ارزیابی‌ها سیگنالی را برای اعضای گروهی ارسال می‌کنند که می‌تواند برای عدم مشارکت پیامدهایی داشته باشد.

چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌ی هدایتگر تحلیل است و قضایایی که از آن بر می‌خیزد محور اصلی تحلیل داده‌ها را تشکیل می‌دهد. بنابراین انتخاب چارچوب نظری برای هر تحقیقی نقطه‌ی حیاتی آن است (*Kiwi, 2007: 88*). پژوهش حاضر نظریه‌ی انتخاب عقلانی^۱ کلمن را در پاسخ

^۱ rational choice theory

به چرایی تنبلی اجتماعی به آزمون می‌گذارد. اصول بنیادی نظریه‌ی گزینش عقلانی از اقتصاد نوکلاسیک (و نیز فایده‌گرایی و نظریه‌ی بازی (Levy & et. al, 1990); Reuters & et. al, 2011; Lindenberg, 2001; سرچشمه گرفته است.

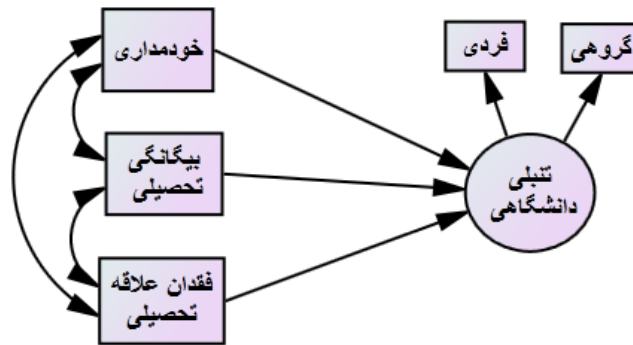
Hector & Friedman بر پایه‌ی انواع الگوهای متفاوت، آنچه را که خودشان به-عنوان «اسکلت» نظریه‌ی گزینش عقلانی توصیف می‌کنند فراهم آورده‌اند. تأکید و تمرکز نظریه‌ی گزینش عقلانی بر روی کنشگران است. به اعتقاد نظریه‌پردازان گزینش عقلانی، کنشگران دارای هدف و نیت هستند. نظریه‌ی گزینش عقلانی عمدتاً از طریق تلاش‌های *James S. Coleman* بود که به یکی از نظریه‌های «داغ» در جامعه‌شناسی معاصر تبدیل شد (Chris, 1995; Lindenberg, 2000; Tilly, 1997). کلمن عنوان می‌کند که جامعه‌شناسی باید توجه خود را بر روی نظام‌های اجتماعی متمرکز کند، اما این پدیده‌های کلان بایستی به واسطه‌ی عوامل درونی نظام‌های اجتماعی، مثلاً افراد تبیین شوند. او به چند دلیل فعالیت در این سطح را می‌پسندد، از جمله اینکه داده‌ها در سطح فردی گردآوری می‌شوند و سپس برای کاربرد در سطح نظام با یکدیگر تجمیع و یا ترکیب می‌گردند؛ و دیگر اینکه سطح فردی جایی است که معمولاً «مداخله‌ها» برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد. نظریه‌ی فردگرایانه و عمومی او درباره‌ی نظام اجتماعی تلاش وی برای حل این مسئله‌ی اصلی جامعه‌شناسی است که تبیین پدیده‌ی اجتماعی با توجه به خود افراد و نه دیگر شیوه‌های موجود می‌باشد. عناصر پایه و اصلی نظریه‌ی کلمن درباره‌ی نظام‌های اجتماعی، کنشگران و منابع یا وقایع‌اند. منابع چیزهایی هستند که کنشگران بر آنها تسلط دارند و منافعی را از آنها دشت می‌کنند. اصلی‌ترین ایده‌های نظری عبارتند از ۱- اینکه افراد به دنبال نفع فردی بوده و به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویی می‌خواهند سود حاصل از منابع و وقایع را به حداکثر برسانند؛ ۲- اینکه به منظور به حداکثر رساندن این سود، تسلط بر این منابع و وقایع را با یکدیگر مبادله می‌نمایند. موضوع اصلی دو کتاب او (قدرت و ساختار جامعه، ۱۹۷۴ و جامعه‌ی ناهمگن، ۱۹۸۲)، این است که جامعه یا نظام اجتماعی را باید ترکیبی از دو عنصر تصویر نمود. اشخاص طبیعی و کنشگران اشتراکی یا جمعی (Avadi Yeganeh, 2008). بر اساس نظریه‌ی کلمن رفتار افراد تحت تأثیر انگیزه‌ی افراد، محدودیت‌های محیطی و زمینه‌ی کنش افراد قرار دارد (Coleman, 1998). بر این اساس تنبلی اجتماعی بطور عام و تنبلی دانشگاهی بطور خاص کنشی است که علاوه بر اینکه انگیزه‌های فردی در آنها وجود دارد ولی در بستر و شرایط دانشگاه و محیط وسیع‌تر جامعه اتفاق می‌افتد. در واقع از این زاویه

تنبلی دانشگاهی کنشی هدفمند اما در بستر محدودیت‌های محیطی صورت می‌گیرد. عدم تحرک فرد در فعالیت‌های فردی و گروهی آموزشی علاوه بر محاسبه‌ی سود و زیان، تحت تأثیر ویژگی‌های فردی و در عین حال محیطی است که او را احاطه کرده است.

بر این اساس در رابطه با بحث تنبلی در سطح دانشگاه می‌توان با دو نوع تنبلی روبه‌رو باشیم. تنبلی در سطح فرد و تنبلی در سطح گروه. تنبلی فردی وضعیتی است که در آن فرد در انتخاب بین لذت آنی (بی‌تفاوتی در امر آموزش) و تلاش برای منافع آتی (موفقیت آموزشی)، لذت آنی را ترجیح می‌دهد. رفتار فرد در اینجا عقلانی است چرا که او در بسیاری مواقع از منافع آتی آگاهی دارد اما به دلایلی لذت آنی را با آن ترجیح می‌دهد. در حقیقت انتخاب‌گری فرد در این موقعیت بر اساس آگاهی از هزینه‌های پیش روی آینده (اینکه ممکن است دانش کافی برای اشتغال آتی پیدا نکند) است. سطح فردی زمینه را برای سنجش در سطح ساختار فراهم می‌کند. در تنبلی اجتماعی با موقعیتی روبه‌رو هستیم که گروه باعث می‌شود رفتار شخص تضعیف شود. به عبارت دیگر فرد در گروه تلاش کم‌تری از خود نشان می‌دهد در حالی که فرد در موقعیت‌های انفرادی این بی‌تحرکی را از خود نشان نمی‌دهند (Ferree & et. al, 2008). این همان تنبلی گروهی در نظام آموزشی است؛ اینکه فرد در فعالیت‌های گروهی به نوعی سواری مجانی را به تعهدات گروهی ترجیح می‌دهد.

کلمن معتقد است که معمولاً داده‌ها در سطح فردی سنجیده می‌شوند و همچنین مداخله‌ها برای ایجاد دگرگونی اجتماعی در این سطح صورت می‌گیرند. در عین حال در دستگاه نظری کلمن انتخاب‌گری فرد کاملاً تحت تأثیر ویژگی‌های انگیزه‌ای و فردی قرار نمی‌گیرد بلکه فرد با توجه به شرایط ساختاری و زمینه‌ای که کنش در آن اتفاق می‌افتد تصمیم می‌گیرد. بر این اساس ویژگی‌های نظام اجتماعی را می‌توان بر اساس ترکیب رفتار افراد در سطح خرد تشخیص داد؛ بنابراین وقتی که تعداد زیادی از افراد در جامعه منافع آنی را به منافع آتی ترجیح می‌دهند نتیجه‌ی آن می‌تواند ویژگی یک نظام اجتماعی یا همان تنبلی اجتماعی باشد. بر این اساس تنبلی دانشگاهی در دو سطح مطرح شده است. تنبلی فردی زمانی است که یک نفر به دلیل پرداختن به لذت آنی و لحظه‌ای خودش، از نفعی که می‌تواند در آینده داشته باشد پرهیز می‌کند؛ و در سطح ساختار دانشگاه نیز، وقتی عملکرد افراد به صورت مستقیم در گروه قابل مشاهده نیست و با گروه آمیخته می‌شود، تنبلی آنان نمایان می‌شود؛ بنابراین پدیده‌های کلان مثل تنبلی اجتماعی بایستی به واسطه‌ی عوامل درونی نظام اجتماعی مثلاً خود افراد آن تبیین شوند. با توجه به

نظریه‌ی کلمن و مرور نتایجی که از ادبیات این تحقیق در زمینه‌ی تنبلی اجتماعی وجود دارد می‌توان به عواملی که باعث تنبلی فرد در دانشگاه در سطح خرد می‌شود اشاره کرد. از جمله این موارد خودمداری، بیگانگی تحصیلی، فقدان علاقه به تحصیل است. این عوامل در سطح دانشگاه زمینه را برای تنبلی افراد فراهم می‌کنند و تبیین این پدیده (تنبلی اجتماعی) باید به واسطه‌ی عوامل درونی یعنی افراد صورت گیرد. این سه متغیر با تأثیر متقابل بر همدیگر تنبلی را در دو سطح فردی و گروهی تشدید می‌کنند. با توجه به مطالب گفته شده در بالا مدل نظری تنبلی بصورت زیر می‌باشد.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

Figure 1: Theoretical Model of Research

فرضیات پژوهش

- ۱- خودمداری در سطح فرد بر تنبلی دانشگاهی (فردی و گروهی) تأثیر دارد.
- ۲- بیگانگی تحصیلی بر تنبلی دانشگاهی (فردی و گروهی) تأثیر دارد.
- ۳- فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل بر تنبلی دانشگاهی (فردی و گروهی) تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

از لحاظ منطق روش‌شناختی، روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی و از نوع مقطعی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه مازندران در سطوح مختلف تحصیلی که تعداد آنها ۱۱۳۷۷ نفر می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. لذا حجم نمونه‌ی مورد نیاز برای تحقیق حاضر با توجه به

فرمول مذکور ۳۹۰ نفر برآورد گردید. در پژوهش حاضر برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شده است. با توجه به ماهیت تحقیق و مفاهیم و متغیرهای آن، داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه به روش میدانی گردآوری شده است. برای ارزیابی میزان اعتبار و روایی ابزار اندازه‌گیری از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان اعتماد یا پایایی مقیاس‌ها، پس از بررسی پرسشنامه در یک نمونه‌ی ۴۰ نفری، از آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ تمامی طیف‌های استفاده شده این تحقیق، در محدوده‌ی قابل قبول بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار *SPSS* و *AMOS* استفاده شده است.

جدول ۱: ضریب آلفای شاخص‌های تحقیق

Table 1: Alpha Coefficient of Research Indicators

ضریب آلفا	تعداد سوال	شاخص
<i>Alpha Coefficient</i>	<i>Number of Items</i>	<i>Indicator</i>
0/78	6	تنبلی فردی
0/73	6	تنبلی گروهی
0/81	12	آلفای کل تنبلی دانشگاهی
0/53	6	خودمداری
0/72	6	بیگانگی تحصیلی
0/67	6	فقدان علاقه به تحصیل

تعریف مفاهیم

متغیر وابسته در این تحقیق تنبلی دانشگاهی است؛ که برای سنجش، آن را به دو نوع تنبلی فردی و گروهی تقسیم کرده‌ایم. متغیر مستقل در این تحقیق عبارتند از خودمداری، بیگانگی تحصیلی و فقدان علاقه به تحصیل می‌باشد. با توجه به شاخص‌سازی همه‌ی متغیرهای مورد مطالعه، این متغیرها در نهایت در سطح فاصله‌ای مورد سنجش و آزمون قرار گرفته‌اند. در این تحقیق تعریف نظری و عملیاتی این متغیرها در جدول زیر آمده است.

جدول ۲: تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته

Table 2: Conceptual and Operational Definition of Independent and Dependent Variables

تعریف عملیاتی	تعریف مفهومی	نام متغیر
Operational Definition	Conceptual Definition	Variable Name
به موقعیتی اشاره دارد که در آن دانشجو بجای پیگیری فعالیت‌های آموزشی به دنبال لذت‌های آنی، کارهای سرگرم‌کننده، خوش‌گذرانی، شب امتحانی و غیره می‌باشد. در این پژوهش، تنبلی فردی به وضعیتی اشاره دارد که فرد در حوزه‌ی فردی و آموزشی خود نوعی بی‌حوصلگی، بی‌تحریکی و بی‌رمقی از خود بروز می‌دهد	حالتی است که فرد میان دو انتخاب مخیر می‌شود، یکی لذت آنی و دیگری نفعی شخصی در آینده که برای کسب آن نفع، باید از این لذت گذشت	تنبلی فردی
رفتار بی‌تفاوت افراد در جمع اشاره دارد، زمانی که افراد در فعالیت‌های جمعی دانشگاهی، انجمن علمی دانشگاه و غیره بی‌عمل و بی‌تفاوت هستند. در این پژوهش مراد نبود مشارکت و جدیت دانشجویان در کار آموزشی گروهی است	یعنی وقتی جمع کنیری از افراد، در فعالیت‌های گروهی بی‌عمل و لذت‌طلب هستند	تنبلی گروهی
عدم تمایل دانشجو به درگیر شدن در فعالیت‌های یادگیری و تلاش نکردن برای پایان دادن به فعالیت‌های تحصیلی خود در این تحقیق مدنظر بوده است	انگیزه، یک حرکت درونی است که انسان را به انجام کاری ترغیب می‌کند. دلیل یا علتی که بر رفتار تحصیلی تأثیر گذاشته و آن را به سمت خاصی هدایت می‌کند	فقدان انگیزه و علاقه به تحصیل
احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی و یا جدایی و دلزدگی دانشجویان از فرایند تحصیل هر کدام با سؤالاتی مورد سنجش قرار گرفته است	نوعی انفصال، جدایی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) بین فرد و تحصیلاتش می‌باشد. به عبارتی دیگر بیگانگی تحصیلی اصطلاحی است که برای توضیح و جدایی دانشجویان یا دانش‌آموزان از فرایند یادگیری استفاده می‌شود	بیگانگی تحصیلی
وضعیتی که فرد در روابط اجتماعی و آموزشی خود با دوستان و اطرافیان تنها منافع خود را ترجیح می‌دهد. این متغیر از طریق سؤالاتی در رابطه با فعالیت‌های آموزشی فردی و گروهی دانشجو مورد سنجش قرار گرفت	حالتی از زیرکی، زرنگی و حسابگری است که فرد در روابط اجتماعی تنها اولویت‌های خود را ترجیح می‌دهد	خودمداری

یافته‌های پژوهش

توصیف اجمالی نمونه

اطلاعات در این تحقیق از بین ۳۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران که ۱۴۶ نفر از آنها مرد و ۲۴۴ نفر از آنها زن بوده است جمع‌آوری شده است. در بین دانشکده‌های دانشگاه مازندران، دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی با ۲۰/۵ درصد بالاترین و دانشکده‌ی علوم دریایی با ۰/۵ درصد کمترین پاسخگو را در بین ۳۹۰ نفر حجم نمونه داشته‌اند. در بین مقاطع تحصیلی دانشجویان کارشناسی با ۵۴/۴ درصد بالاترین و دانشجویان مقطع دکتری با ۹/۰ درصد کمترین پاسخگو را داشته‌اند. بیشترین سهم در حجم نمونه را دانشجویان کارشناسی ارشد با ۱۹/۰ درصد و کمترین آنها را دانشجویان ترم ۷ و ۸ دکتری با ۰/۳ درصد، و بر حسب سن ۵۰/۳ درصد پاسخگویان افراد بین ۲۱ تا ۲۵ ساله که بیشترین حجم نمونه را داشته و کمتر از ۲۱ ساله با ۲۰/۰ درصد کمترین، و میانگین سنی ۲۳/۹۶ درصد و حداکثر سن ۳۶ و حداقل سن ۱۸ ساله بوده‌اند. بر حسب تأهل ۳۳۰ نفر از پاسخگویان مجرد و ۶۰ نفر از آنها متأهل بوده و همچنین از لحاظ وضعیت سکونت ۲۵۹ نفر ساکن خوابگاه که بیشترین حجم نمونه را داشته و ۸۲ نفر با والدین خود زندگی کرده‌اند و ۴۸ نفر نیز ساکن در منازل شخصی بوده‌اند. ۴۷/۷ درصد درآمد خانوادگی خود را کمتر از یک میلیون تومان که بیشترین افراد نمونه بوده‌اند و ۳۶/۴ درصد بین یک تا دو میلیون تومان، ۸/۷ درصد بین دو تا سه میلیون تومان و ۲/۷ درصد از پاسخگویان درآمد خانوادگی خود را بیشتر از سه میلیون تومان که کمترین افراد حجم نمونه‌اند، و میانگین درآمد خانواده ۱۶۱۵۰۰۰ میلیون تومان و حداقل درآمد صفر و حداکثر درآمد ۹۷۰ میلیون تومان، ۷۶/۲ درصد از پاسخگویان خود را متعلق به طبقه‌ی متوسط که بیشترین حجم را دارا بوده، ۱۸/۵ درصد خود را متعلق به طبقه‌ی پایین دانسته و کمترین حجم نمونه با ۵/۴ درصد خود را متعلق به طبقه‌ی بالا دانسته‌اند.

متغیر دیگر در این تحقیق بیگانگی تحصیلی است، احساس منزوی بودن یا جدایی و دلزدگی دانشجویان از فرایند تحصیل بود که بیشتر دانشجویان با بیگانگی تحصیلی در دانشگاه موافق بودند. این متغیر با ۶ گویه بررسی شد. ۲۰/۸ درصد دانشجویان میزان بیگانگی تحصیلی را کم و ۶۰/۳ درصد دانشجویان میزان بیگانگی تحصیلی را متوسط ارزیابی کرده و ۱۹/۰ درصد دانشجویان میزان بیگانگی تحصیلی را زیاد دانسته‌اند. متغیر فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل با ۶ گویه مورد بررسی قرار گرفت. ۲۷/۲ درصد دانشجویان فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل را کم، ۶۴/۹ درصد آن را در حد متوسط

دانسته و ۹/۹ درصد فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل را در بین دانشجویان زیاد دانسته‌اند؛ همچنین ۲۹/۷۰ درصد از دانشجویان خودمداری خود را کم، ۵۲/۳ درصد در حد متوسط و ۱۷/۹ درصد از دانشجویان خودمداری خود را زیاد بیان کرده‌اند.

تنبلی دانشگاهی

بر مبنای داده‌های اخذ شده از متغیرهای وابسته مشخص شد که ۶۱/۳ درصد از پاسخگویان به تنبلی فردی در حد متوسط و حدود ۵۹/۷ درصد از پاسخگویان نیز تنبلی گروهی را متوسط دانسته‌اند. جدول ۳ نشان‌دهنده‌ی توزیع فراوانی و درصدی شاخص تنبلی دانشگاهی (کل) بر حسب جنس می‌باشد. بر اساس نتایج این جدول ۵۹/۷ درصد میزان تنبلی دانشگاهی را «متوسط»، ۳۰/۳ درصد دانشجویان میزان تنبلی دانشگاهی را «کم» و ۱۰/۰ درصد از دانشجویان میزان تنبلی دانشگاهی خود را «زیاد» عنوان کرده‌اند. در کل می‌توان گفت تنبلی دانشگاهی در حد متوسط است.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی شاخص کل تنبلی دانشگاهی بر حسب جنس

Table 3: Frequency and Percentage Distribution of the Total University Laziness Index by Gender

کل		دختر		پسر		جنسیت
Total		Girl		Boy		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	Gender
Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	Percentage	Frequency	
30/3	107	19.0	74	11/3	44	کم
59/7	233	37/4	146	22/3	87	متوسط
10/0	39	6/2	24	3/8	15	زیاد
100/0	390	626	244	37/4	146	کل

میانگین: 8/37 حداقل: 0 حداکثر: 20 انحراف معیار: 6/10 چولگی: 0/46 کشیدگی: 0/49

(منبع: یافته‌های تحقیق)

(Source: Research Findings)

آزمون فرضیات

با توجه به اینکه متغیرهای اصلی این تحقیق در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته‌اند جهت آزمون فرضیات از آماره‌ی تفاوت میانگین و ضریب همبستگی پیرسون

استفاده گردید. جدول زیر بیانگر آزمون تفاوت میانگین میان متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و تحصیلات دانشجویان با تنبلی دانشگاهی (کل) می‌باشد. در جدول زیر به دلیل اینکه نتیجه‌ی آزمون کل تنبلی با طبقات یکسان بود برای رعایت اختصار تنها جدول کل گزارش شد. همان‌گونه که از جدول پیداست تفاوتی میان دختران و پسران دانشجویان در تنبلی دانشگاهی وجود ندارد و هر دو گروه تقریباً به یک اندازه تنبلی را از خود نشان می‌دهند. هر چند بر اساس اطلاعات جدول مجردها تنبلی بیشتری از خود نشان می‌دهد ولی تفاوت آنها با دانشجویان متأهل آنقدر نیست که معنی‌دار باشد؛ اما رده‌های مختلف تحصیلی تنبلی متفاوتی از خود نشان می‌دهند. دانشجویان کارشناسی بیشترین تنبلی و دانشجویان دکتری کمترین تنبلی را از خود نشان می‌دهند؛ تا جایی که تفاوت میان سه گروه معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴: آزمون تفاوت میانگین بین متغیرهای زمینه‌ای و تنبلی دانشگاهی و ابعاد آن

Table 4: Test the Mean Difference between the Contextual Variables and Academic Laziness and Its Dimensions

متغیر	طبقات	میانگین	مقدار T و F	سطح معنی داری
Variable	Class	Average	Amount of T and F	Significance Level
جنس	پسر	27/93	0/73	0/47
	دختر	27/47		
تأهل	مجرد	27/84	1/49	0/14
	متأهل	26/57		
تحصیلات	کارشناسی	28/63	7/61	0/00
	کارشناسی ارشد	26/79		
	دکتری	25/06		

جدول ۵ بیانگر میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق با تنبلی دانشگاهی (فردی و گروهی) است. همان‌گونه که از جدول بر می‌آید خودمداری ۰/۱۹، بیگانگی تحصیلی ۰/۴۴، فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل ۰/۴۳، دارای رابطه‌ی معنی و مستقیم با تنبلی دانشگاهی می‌باشند؛ همچنین رابطه‌ی بین این متغیرها با ابعاد تنبلی (با استثنای تنبلی گروهی خودمداری) نیز معنی‌دار و مثبت می‌باشد. در واقع این متغیرها به نوعی تقویت‌کننده‌ی تنبلی دانشجویان در دانشگاه می‌باشند.

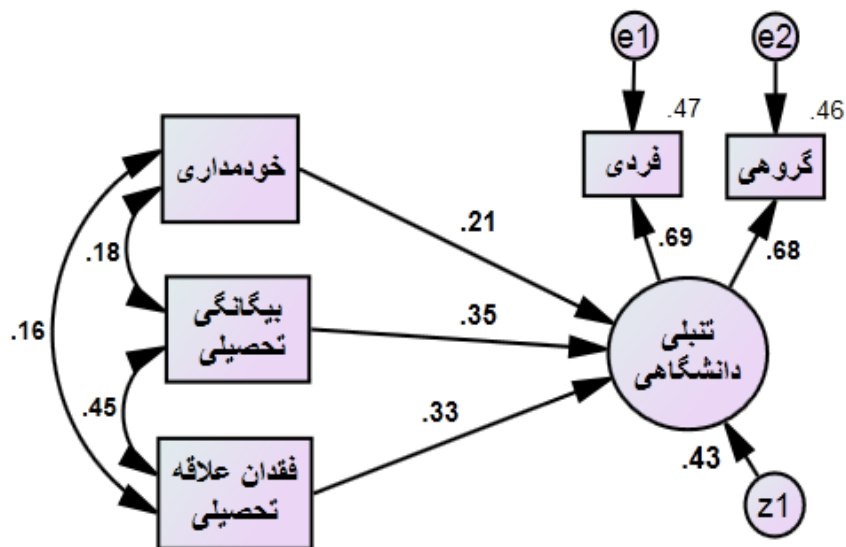
جدول ۵: آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و تنبلی دانشجویی

Table 5: Solidarity Test between Independent Variables and Academic Laziness

متغیر	تنبلی و ابعادش	همبستگی	سطح معنی داری
Variable	Loafing And Its Dimensions	The Correlation	Significance Level
خودمداری	تنبلی دانشجویی	0/19	0/03
	تنبلی فردی	0/10	0/04
	تنبلی گروهی	0/11	0/10
بیگانگی تحصیلی	تنبلی دانشجویی	0/44	0/00
	تنبلی فردی	0/37	0/00
	تنبلی گروهی	0/38	0/00
فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل	تنبلی دانشجویی	0/43	0/00
	تنبلی فردی	0/33	0/00
	تنبلی گروهی	0/39	0/00

آزمون مدل نظری

در این تحقیق برای سنجش سازه‌ی تنبلی دانشجویی آن را در دو بعد فردی و گروهی مورد سنجش قرار داده‌ایم؛ همچنین با توجه به تأکید بر سطح خرد در این پژوهش سه متغیر بعنوان متغیر مستقل در این سطح مورد بررسی قرار گرفت. همان‌گونه که از مدل تجربی پیداست بیشترین تأثیر بر تنبلی دانشجویی مربوط به متغیر بیگانگی تحصیلی می‌باشد و بعد از آن متغیر فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل با ضریب $(Beta=0/35)$ می‌باشد. همچنین خودمداری نیز با $(Beta=0/21)$ کمترین تأثیر را بر تنبلی داشته است. در عین حال باید گفت که تأثیر هر سه متغیر بر تنبلی افزاینده بوده است. هر چند بر اساس مدل تجربی هم تغییری بین این سه متغیر وجود داشته است. همان‌گونه که در مدل آمده است متغیرهای حاضر در مدل توانستند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تنبلی دانشجویی) را مورد تبیین قرار دهند.



Chi-Square=15/17 Sig=0/06 Degrees of Freedom=3 RMSEA=0/06

شکل ۲: مدل تجربی تحقیق

Figure 2: Experimental Research Model

آماره‌های برازش در معادله‌ی ساختاری نشان می‌دهد که به چه میزان داده‌های نمونه‌ای مدل نظری ما را مورد تأیید قرار داده‌اند. همان‌گونه که از این آماره‌ها مشخص می‌باشد آماره‌ی کای اسکوئر معنی‌دار نمی‌باشد که بیانگر برازش مدل تجربی ارائه شده در بالاست؛ همچنین آماره‌ی ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد $RMSEA=0/06$ بیانگر برازش قابل قبول مدل مسیر می‌باشد. آماره‌ی دیگر که در جدول ۶ آمده است نشان می‌دهد که مدل نظری ما توسط داده‌های نمونه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است. چرا که شاخص نیکویی برازش (۰/۹۸)، شاخص برازش تطبیقی (۰/۹۷)، شاخص برازش افزایشی (۰/۹۶)، شاخص برازش نسبی (۰/۹۴) و شاخص برازش هنجار شده (۰/۹۵) در محدوده‌ی قابل قبولی قرار دارند.

جدول ۶: آماره‌های برازش پارامترهای حاضر در مدل

Table 6: Adaptation Statistics of the Parameters Present in the Model

<i>NFI</i>	<i>RFI</i>	<i>IFI</i>	<i>CFI</i>	<i>GFI</i>
0/95	0/94	0/96	0/97	0/98

بحث و نتیجه‌گیری

جامعه‌ی ایران در یکی دو دهه‌ی اخیر، از سوی صاحب‌نظران و مسئولان مورد نقد قرار گرفته است و انتقادهای زیادی به رفتار اجتماعی مردم وارد شده است. یکی از انتقاداتی که از سوی آنان وارد شده تنبلی است. هر چند تنبلی در هر جامعه تا اندازه‌ای وجود دارد اما در برخی از کشورها میزان تنبلی قابل توجه است. وقتی با رویکردی آسیب‌شناسانه به رفتارهای سازمانی نگاه می‌شود آسیب‌های مختلفی را می‌توان در سازمان‌های مختلف شناسایی کرد. یکی از این آسیب‌ها که در همه‌ی سازمان‌ها به نوعی قابل مشاهده است تنبلی است. عوامل فردی (کارکنان) عمده‌ترین عامل تنبلی در سازمان‌ها شناخته شده‌اند. تنبلی در نهاد دانشگاه تحت عنوان تنبلی دانشگاهی قابل شناسایی است. این نوع تنبلی در فعالیتهای فردی و گروهی در میان دانشجویان در دانشگاه قابل مشاهده است. این نوع رفتار در نهایت می‌تواند آسیب‌ها و پیامدهای ناگواری برای قشر جوان و در نهایت نظام آموزشی و اجتماعی جامعه به همراه داشته باشد. بر این اساس این تحقیق با تأکید بر نظریه‌ی انتخاب عقلانی کلمن تلاش داشته است تا به بررسی تنبلی دانشگاهی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران بپردازد.

همان‌گونه که از نتایج تحقیق بر می‌آید میزان تنبلی در میان دانشجویان در حد متوسط گزارش شده است. هر چند تنبلی فردی بیشتر از تنبلی گروهی بوده است؛ که این نتیجه مخالف با تحقیق جوادی یگانه و فولادیان (۱۳۹۱)، درباره‌ی تنبلی در شهر تهران می‌باشد؛ چرا که در تحقیق آنها تنبلی در شهر تهران پایین گزارش شده است. نکته‌ی دیگری که در موضوع تنبلی میان دانشجویان قابل مشاهده است عمومیت یکسان تنبلی میان دختران و پسران دانشجو و همچنین میان افراد مجرد و متأهل می‌باشد. اما هر چه سطح تحصیلی دانشجویان بالاتر می‌رود تنبلی روندی رو به کاهش به خود می‌گیرد. این

بدان معنی است که دانشجویان تحصیلات تکمیلی بیگانگی تحصیلی کمتر و انگیزه‌ی تحصیلی بالاتری نسبت به دیگر دانشجویان دارند.

همچنین بررسی فرضیات تحقیق نشان می‌دهد که میان سه متغیر مستقل خودمداری، بیگانگی تحصیلی و فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل با تنبلی دانشگاهی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. خودمداری بر تنبلی دانشگاهی تأثیر مستقیم و مثبت دارد. هر چه افراد در رفتارهایشان نفع شخصی را به نفع جمعی بیشتر ترجیح دهند تنبلی آنها نیز افزایش خواهد یافت. این در رابطه با فعالیت‌های آموزشی دانشجویان هم صادق است. این رابطه مطابق با یافته‌های جوادی یگانه و فولادیان در رابطه با تنبلی در میان شهروندان تهرانی می‌باشد (Javadi Yeganeh and Fooladian, 2012). بیگانگی یکی از متغیرهای تأثیرگذار در نظام آموزشی است. با بالا رفتن بیگانگی تحصیلی در دانشگاه تنبلی فردی و گروهی افزایش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های کاظمی و همکاران مطابقت دارد (Kazemi & et. al. 2010). یکی دیگر از متغیرهایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت فقدان علاقه و انگیزش تحصیلی است. طبعاً وقتی دانشجویان علاقه‌ای به تحصیل نداشته باشند گرایش آنها به بی‌تفاوتی آموزشی و تنبلی بیشتر خواهد شد. با بالا رفتن فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل در دانشگاه تنبلی فردی و گروهی افزایش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های رینگلمن، و کاظمی و همکاران مطابقت دارد (Ringelman 1933 and Kazemi & et al. 2010, Bazar Afshan Moghadam, 2004). طبعاً با افزایش سطح تحصیل علاقه به تحصیل نیز افزایش خواهد یافت و به همین دلیل میزان تنبلی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی کمتر گزارش شده است.

در نهایت مدل نظری تحقیق مورد آزمون تجربی قرار گرفت؛ مشخص شد که متغیرهای خودمداری، بیگانگی تحصیلی و فقدان علاقه و انگیزه به تحصیل تأثیر مستقیم و معنی‌دار و مثبت بر بیگانگی دانشگاهی در دو سطح فردی و گروهی داشته‌اند. متغیرهای حاضر در مدل توانستند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تنبلی دانشگاهی) را مورد تبیین قرار دهند. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت اینکه تنبلی مسأله‌ای است که تحت تأثیر عوامل از سطوح مختلف قرار می‌گیرد. در این تحقیق سطح خرد با تأکید بر نظریه‌ی انتخاب عقلانی کلمن مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد که سطح خرد نقش

مهمی در تنبلی بعنوان کنشی فرد و در نهایت گروهی دارد. به تعبیر کلمن مسائل سطح سیستم را می‌توان از طریق تحلیل سطح خرد مورد بررسی قرار داد. چرا که در نهایت این کنش‌های فردی است که ویژگی‌های سیستم را نمایان می‌سازد. هر چند تنبلی تحت تأثیر عوامل محیطی نیز قرار می‌گیرد که بسته به موقعیت افراد متفاوت می‌باشد. مثلاً در رابطه با دانشجویان تنبلی می‌توان علاوه بر عوامل سطح فرد تحت تأثیر عوامل محیطی از جمله ویژگی‌های محیط دانشگاه (مانند ویژگی‌های سیستم آموزشی و مدیریتی دانشگاه) و ویژگی‌های جامعه (مانند مسائل اشتغال و فرهنگ تنبلی در جامعه) قرار گیرد.

پیشنهادات و راهکارهای پژوهش

- افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در دانشگاه، که نه تنها زمینه را برای اشتغال و انگیزه‌ی دانشجویان محدود می‌کند بلکه برنامه‌ریزی و نظارت در دانشگاه را نیز با مشکل مواجه می‌کند، و همچنین فقدان امکانات و تجهیزات را دو چندان می‌کند، لذا وزارت علوم نیازمند به تصمیم‌گیری قاطع و برنامه‌ریزی‌های جامع برای افزایش پذیرش دانشجو متناسب با نیازهای جامعه و کشور باید باشد.
- یکی دیگر از راهکارهایی که به‌صورت سنتی برای حل مشکل دانشجویان در دانشگاه توصیه می‌شود، مسئله‌ی تنظیم شرح وظایف برای هر یک از اعضا جهت حل مشکل تنبلی آنهاست. نکته‌ی دیگری که شاید بتوان گفت جنبه‌ی روانشناختی بیشتری دارد، بها دادن به قدرت اختیار، اراده و حق نظر دانشجویان در محیط‌های دانشگاهی است؛ به گونه‌ای که خود واقعی آنها در نظر گرفته شود.
- ایجاد قواعد و دستورالعمل در نمره‌دهی می‌تواند زمینه‌ی مشارکت و فعالیت دانشجویان را فراهم آورد و نبود این قواعد، معیار روابط و کنش صمیمی (استاد، دانشجو) به‌عبارتی فراهم بودن شرایط و وسایل زمینه‌ی تنبلی است.
- بهره‌برداری علمی و کاربردی از رساله‌های دانشجویان یکی از راه‌کارهای کاهش تنبلی است زیرا باعث انگیزه‌بخشی بیشتر دانشجویان در امور آموزشی خواهد شد.
- به کارگیری فعالیت‌های مشارکتی جویانه یادگیری و آموزش در کلاس‌های درس می‌تواند زمینه‌های تنبلی آموزشی را کاهش دهد.

- اجرای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس و انتخاب رشته‌ی دانشگاهی بر اساس توان و علاقه‌ی دانشجو زمینه‌های تنبلی در دانشگاه را کاهش خواهد داد.

References:

Aghatehrani, M. (2004). *Workmanship, Study of Causes and Strategies of Treatment*, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom Publishing House. (Persian).

Arjomandnia, A. A. (2009). "A Factor on the Phenomena of Social Laziness", *Journal of Ethics and Globalization*, 48, 54-37. (Persian).

Ataabadi, H. A. (2013). *The first national conference on futures studies, management and development in the country*. New Iran Development and Training Center (Metana). Conference Secretary. (Persian).

Bazrafshan Moghadam, M. Bagherzadeh, D. (2004). "Reasons for employees to evade work and preventive solutions and deal with it", *Police Human Development Journal*, 2, 56-72. (Persian).

Bennett, N. & Naumann, S. E. (2004). *Withholding effort at work: Understanding and preventing shirking, job neglect, social loafing, and free-riding*, In C. L.

Budon, R. (1884). *Social Logic*, translated by Abdolhossein Nikgozar, Tehran, Morvarid press. (Persian).

Charbonnier, E. P., Huguet, M., Brauer, J., & Marc M. (1998). "Social Loafing and Self-Beliefs: People's Collective Effort Depends on the Extent", *Social Behavior and Personality*, 26(4), 329-340.

Coleman, J. (1998). *Foundations of Social Theory*, Manouchehr Sabouri Kashani, Ch 3, Tehran, Ney Publishing. (Persian).

Fazaeli, A. (1392). "Global position of Islamic Iran in terms of social laziness", *Culture strategy*, 21, 57-78. (Persian).

Hall, D. & Buzwell, S. (2012). "The problem of free-riding in group projects: Looking beyond social loafing as reason for non-contribution", *Active Learning in Higher Education*, 14(1), 37-49.

Hoshmand, D. (2014). "Investigating the Relationship between Organizational Prediction, Organizational Commitment and Social Laziness in the New Economy Bank", *Publication Conference on Management*, Transformation and Innovation in Management Empowerment, 1-11. (Persian).

Huguet, P., Charbonneir, E. & Monteil, J. M. (1999). "Productivity loss in performance groups: People who see themselves as average do not engage in social loafing", *Group Dynamics: Theory, Research and Practice*, 3(2), 118-131.

Javadi Yeganeh, M. R & Fooladian, M. (2012). "Social Laziness and Factors of Affecting on It", *Iranian Journal of Sociology*, 12(4), 137-109. (Persian).

Javadi Yeganeh, M., Fatemi, A & Fooladian, M. (2010) "Comparative study of laziness index in Iran and other countries and some countries", *Quarterly Journal of Culture Strategy*, 12(13), 112-134. (Persian).

Javadi Yeganeh, M. R. (2008). "Sociological Approach to Rational Selection Theory", *Quarterly Journal of Culture Strategy*; 1(3), 33-64. (Persian).

Kaveh, M. Fayazi, M. & Kazemi, M. (2010). "A study of the prevalence of procrastination and the factors affecting it among university administrators and staff", *Transformation Management*, 4, 42-63. (Persian).

Kazemi, M. Fayazi, M. & Kaveh, M. (2010) "Investigation of the prevalence of procrastination and the factors affecting it among university administrators and staff", *Journal of Transformation Management*, 2(4), 42-63. (Persian).

Kiwi, R. (2009). *Research Methods in Social Sciences*, translated by Abdolhossein Nik Gohar, Tehran, Contemporary Culture. (Persian).

Liden, R., Wayne, S., Jaworski, R. & Benett, N. (2004). "Social loafing: A field investigation", *Journal of Management*, 32, 285-304.

Lin, P. H. (2008). *A research on social loafing and students' cultural orientations in ESL/EFL classroom* (Doctoral dissertation, Ming Chuan University).

Moshiri, M. (1999). *Comprehensive Persian Culture*, Tehran, Great Persian Encyclopedia Foundation. (Persian).

Piezon, S. L., & Ferree, W. D. (2008). "Perceptions of social loafing in online learning groups: A study of public university and US Naval War College students", *The International Review of Research in Open and Distance Learning*, 9(2), 1-17.

Rich, J.D., Owens, D., Johnson, M. D. & Capote, K. (2014). "Some strategies for reducing social loafing in group projects", *Global Journal of Human-Social Science: A Art & Humanities-Psychology*, 14(5): 1-5.

Ritzer, G.G. & Douglas, G. (2013). *Modern Sociological Theory*, Khalil Mirzaei and Abbas Lotfizadeh, Tehran: Sociologists Publications, First Edition. (Persian).

Sepahvand, R. & Yari, M. (2104). "Identifying individuals' attitudes toward organizational laziness using the QQ method", *Quarterly Journal of Organizational Behavior Studies*, 3(14), 1-30. (Persian).

Soleimanpour, M. J. (2005). "Student identity, social sciences", *Quarterly Journal of Epistemological Studies in Islamic University*, 28, 47-84. (Persian).

Analysis of Individual Factors Effecting on Academic Loafing among Students (the Case Study: Students of Mazandaran University)

Ali Asghar Firouzjaeian (Ph.D)¹, Parviz Sharifi Moghadam (Ph.D)²

DOI: 10.22055/qjrd.2020.15697

Abstract:

Abut organizational pathology, notice to human resources have high important. Loafing as one of human resource harm is introduced in every organization and university too. Social loafing can arise many problems and negative consequences for the individual and society in the short term and the long term Loafing imply as breeding, sloth and negligence and dereliction. The aim of this study was to analyze the sociological factors that affect the social loafing (Case Study: Mazandaran University) is. Methodology of the survey and questionnaire tool measurement is made. The population of this research included all of Mazandaran University and a sample of 390 people from a stratified random sampling method is used. Given the nature of research and the concepts and values, the data needed to conduct field research through questionnaire method. In this study, we selected Coleman rational choice theory as the theoretical framework. The results showed that there is significant relation between individual factors including variables autonomy, academic alienation and lack of interest and motivation to study with loafing among students. Also, the results of regression model show that these three variables could explain 43% of dependent variable variance.

Key Concept: Organizational Pathology, Social Loafing, Academic Loafing, Rational Choice Theory

¹ Associate Professor, Department of Social Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran (Corresponding Author), a.firozjayan@umz.ac.ir

² Master of Youth Studies, Mazandaran University, Mazandaran, Iran, sharifiparviz2012@gmail.com

